### مقام اول: اقتضای نهی بر فساد عبادت

مبحث اول: نهی از کل عبادت

نهی در عبادت در صورتی که تعلق نهی به کل عبات باشد و اصل عبادت منهی شود، مثل «لا تصم یوم العید» و «الحائض لا تصلی»؛ در این مبحث، سه نظریه مطرح است:

1. نهی مطلقاً، موجب فساد است.

2. نهی مطلقاً، موجب فساد نیست؛ بزرگانی مثل مرحوم حائری مؤسس در کتاب «درر» به این قول تمایل دارند و در این خصوص، تعدد جهات را مطرح نموده‌اند که موجب عدم اقتضاء فساد عبادت است.

3. تفصیل در مسأله: در عالم ثبوت امکان اینکه در شیء واحد با دو جهت من وجه یا عام و خاص مطلق، دو حکم با مفسده و مصلحت متوازن باشد، وجود دارد، ولی در عالم اثبات کسانی که ثبوتاً اجتماع دو حکم را ممکن می‌دانند، چنین باید قائل باشند که ظاهر رابطه مطلق و مقیدی، بین دو دلیل و یا رابطه عام و خاص بین آن‌ها این است که نهی خاص، امر عام را بر می‌دارد و تخصیصش می‌زند و معنای این استظهار هم این است که آن مصلحت وجود ندارد و آنچه هست، ملاک مفسده است و اگر هم ملاک مصلحت قبلاً بوده، الآن ملاک، مغلوب شده است، ولی با این حال، در این موارد، با یک قرینه‌ای می‎فهمیم که در این موردی که الان نهی وجود دارد، مصلحتی هم به صورت مغلوبه بوده است.

واقعیت قول سوم این است که در مواردی، نهی عقلا موجب فساد است و در مواردی نه، ولی در موارد نهی از عبادت، اصل این است که نهی موجب فساد است و در موارد خاص این اقتضاء منتفی است. واقعیت دیگر اینکه ما بنابر قول مختار در اجتماع امر و نهی، یک بنیانی ریختیم که آن بنیان در جای جای بحث‌ها نمایان می‎شود و تأثیرگذار می‌شود و آن مبنا همان امکان تصویر تساوی و توازی ملاکات و امکان اجتماع در آن حالت در صورت عدم تناقض دو حکم بود.

این جمع بندی مبحث اول بود که در کفایه یک تکمله‌ای در قالب «لا یقال، فانه یقال» در ادامه آن آورده است که در این ان قلت و قلت در واقع شبهه شده که نهی در عبادت اصلا معقول نیست!

دلیلی که «الحائض لا تصلی» و «لا تصم یوم العید» می‌گوید، در موردش این سؤال است که این زجر و نهی به چه تعلق یافته است؟!

متعلق نهی در مثل الحائض لا تصلی، ذات آن اعمال و اذکار و اوراد و افعال، بدون قصد قربت در نماز است؛ اگر این صورت درست باشد، معنایش این است که این اعمال خودشان فی نفسه اشکال دارند.

نهی به این اعمال با قصد قربت تعلق یافته و مفهوم لا تصلی الحائض این است که این اعمال و افعال را اگر با قصد قربت است، انجام ندهید!

در واقع متعلق نهی و زجر یا ذات افعال صلاتی است و یا کالبد این افعال بعلاوه نیت جوانحی قربی است. در صورت اول، اشکال این است که هیچ یک از این‌ها متعلق نهی نمی‌تواند باشد؛ این اعمال منهای قصد قربت اصلاً عبادت نیست که عبادت منهیه خوانده شود، عمل اگر به قصد قربت باشد عبادت است و الا فلا. در صورت دوم اگر نهی به عمل قربی تعلق یابد، اشکال این است که انجام این عمل با قصد قربت، با وجود نهی، ممتنع است؛ چراکه قصد قربت با آمدن نهی در مورد آن، ممکن نیست؛ با آمدن نهی، دیگر قصد قربت ممکن نیست و قصد کردن آن غیر اختیاری می‌شود(و نهی به امر غیر اختیاری تعلق نمی‌یابد؟!)

#### یک سوال فرعی در فقه مرتبط با این بحث اصولی:

اگر به عنوان مثال، زن حائض افعال نماز را بدون قصد قربت انجام دهد و یا اینکه فردی بر حسب شرائط و مثلاً به خاطر رژیم گرفتن، در روز عید، اصلا چیزی نخورد، آیا این اشکال دارد؟ این سوالات هم فرع این است که نهی به عبادت با قصد قرب تعلق یافته یا به ذات همین اعمال ولو بدون قصد؟!

نتیجه مورد نظر صاحب کفایه این است که این عمل وی اصلاً امر ندارد و انجام این عمل بدون امر هم وجهی ندارد. نهی، تعلق به ذات عمل دارد و مقصود از نهی در عبادت این است که عملی که اگر این نهی نبود عبادت خوانده می‌شد و حالا با آمدن این نهی، انجام آن عمل ممنوع شده است، به نظر ایشان با آمدن نهی، انجام آن عمل، وجهی ندارد.

البته به قول ایشان در مواردی برخی اعمال عبادت بودنشان اصلاً متقوم به قصد قربت نیست؛ مثل سجده که بدون قصد هم عبادت است و البته نکته پیش گفته مربوط به اعمالی از قبیل اعمال اول است که متقوم به قصدند و نتیجه سؤال فقهی در مورد آنها این است که خود این افعال منهی است و نباید انجام شوند.

#### **بررسی جواب آخوند:**

این فرمایش آخوند، به نوعی تسلیم اشکال شدن است که نهی اعمال را محرم می‌کند و نتیجه آن این است که این عمل نمی‌تواند عبادت باشد. دلیل، بر صوم و صلاة که به قصد قربت باشد، امر می‌کند و حالا که نهی به اینها تعلق یافته، معنایش این است که اینها را انجام نده و انجامشان حرام است.

انتخاب وجه اول معقول است و مانعی ندارد که بر حائض این اعمال حرام شود و لو اینکه قصد قربت نداشته باشد و مستلزم ارتکاب خلاف ظاهر در دلیل است و اگر راهی برای حل مشکل نداشتیم این تنها راه باقی مانده است. این اشکال ثبوتی است و نه اثباتی.

نتیجه این قول این است که نباید این حالت را مرتکب شد؛ مثلاً بدون قصد صوم در روز عید نباید از خوردن و آشامیدن امساک نمود. البته ارتکاب خلاف ظاهر در مورد نهی، از عباداتی است که ذاتش عبادیت نیست.